

مشکل مین‌ها و ابعاد آن در جهان و ویژگی‌های وضعیت مصر

محمود احمد ابراهیم، مشكلة الالغام، ابعاد
المشكلة في العالم و خصوصيات الحالة المصرية،
القاهرة: مركز الدراسات السياسية
والاستراتيجية، ۱۹۹۹، ۳۳۱ صفحه.

عبدالرضا همدانی
کارشناس ارشد مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

کتاب دارای یک مقدمه، سه بخش و
یک نتیجه‌گیری است. بخش اول به ابعاد
بین‌المللی مسئله مین‌های زمینی ضد نفر
اختصاص یافته است. در این بخش نویسنده
به تاریخچه ساخت مین‌های ضد نفر،
مهمترین میادین مین‌های ضد نفر در جهان،
ابعاد انسانی و اقتصادی وجود مین‌های
ضد نفر، مشکلات عملی پاکسازی
میادین مین و معاهده بین‌المللی اوتاوا
درباره منع استفاده از مین‌های ضد نفر
اشاره می‌کند.

در اواخر جنگ جهانی اول و پس از
گسترش استفاده از تانک در میادین نبرد، از
مین‌های ضد تانک به عنوان یک اسلحه
ضد تانک مؤثر استفاده شد. در سال
۱۹۳۸ ارتش لهستان، مین‌یاب الکترونیکی
را برای اولین بار مورد استفاده قرار داد.
به وسیله این دستگاه قابل حمل، سربازان
وارد میادین مین می‌شدند و هر جا که
دستگاه یک میدان الکترونیک را کشف
می‌کرد، به سرعت مین‌های آن قسمت
شناسایی و خنثی می‌شد. در مقابل، ارتش
آلمان که از این گونه مین‌ها تولید می‌کرد
مبادرت به ساخت مین‌های چوبی و

نویسنده کتاب سعی دارد با بررسی
مشکلاتی که مین‌های ضد نفر برای جوامع
بشری ایجاد می‌کنند، خطرات استفاده از
این سلاح را برای غیرنظامیانی که عمدتاً در
جنگها مشارکت ندارند تشریح کند. وی با
تأکید بر این که مین‌ها معمولاً پس از پایان
جنگها برچیده نمی‌شوند و به همین دلیل
فجایع انسانی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری
را ایجاد می‌کنند، خواهان اتخاذ اقدامات
عملی جهت پاکسازی مناطق
مین‌گذاری شده در جهان سوم و به خصوص
در مصر به عنوان کشوری است که بیشترین
تعداد مین‌ها در آنجا کار گذاشته شده‌اند.

پلاستیکی نمود تا برخلاف مین های فلزی، میدان الکترونیک ایجاد نکند.

در سال ۱۹۴۱ و برای نخستین بار ارتش آلمان مبادرت به استفاده از مین های ضد نفر در شمال آفریقا کرد. این مین ها به دلیل استراتژی نظامی آلمان کشنده نبود بلکه تنها به سربازان آسیب بدنی جدی وارد می کرد. براساس این استراتژی سرباز آسیب دیده بیش از کشته شدگان در تحرک سایر نظامیان خلل وارد می آورد و به همین دلیل مجروحان مانع از حرکت برنامه ریزی شده سایر هم‌رزمان خود می شدند.

در طول جنگ سرد، اعضای ناتو به خاطر ممانعت از حملات وسیع تانکهای روسی به غرب اروپا، از مین های ضد تانک و ضد نفر به عنوان یک عامل بازدارنده به طور وسیع استفاده کردند و بدین خاطر به جای شیوه دستی کاشت مین، از شیوه مکانیکی استفاده گردید.

اما استفاده از مین فقط منحصر به جنگ میان دو کشور نیست، بلکه هم اکنون در جنگهای داخلی نیز نیروهای دولتی و نیروهای مخالف از این سلاح مخرب

استفاده می کنند. معمولاً در این گونه جنگها، نیروهای دولتی برای حمایت از مراکز حیاتی کشور نظیر سدها و نیروگاه های برق و نیروهای مخالف جهت حمایت از مراکز استقرار خود از مین های ضد نفر استفاده می کنند. تقریباً در کلیه جنگهای پس از جنگ جهانی دوم از این گونه مین ها استفاده بسیاری شده است. به عنوان مثال طی دو جنگی که در دودهمه اخیر در منطقه خلیج فارس روی داده به شکل بی رویه ای از مین های ضد نفر استفاده شده است.

به نظر نویسنده، منطقه کردستان عراق بیش از سایر مناطق در جنگ عراق و ایران از وجود این گونه مین ها متضرر شده است. در حالی که نیروهای عراقی خود را در میان میادین وسیع مین مستقر می کردند، نیروهای ایرانی با استفاده از شیوه های برج انسانی، تونلی در این میادین مین ایجاد می کردند. که طبیعاً باعث خسارتهای جانی می شد (ص ۳۷). عراق پس از اشغال کویت نیز برای حمایت از نیروهای خود در برابر حمله نیروهای بین المللی در حدود ۹ میلیون مین ضد تانک

و ضدنفر در جنوب، غرب و سواحل کویت کاشت. اما نیروهای بین‌المللی به دلیل داشتن پیشرفته‌ترین دستگاه‌های مین‌یاب به سرعت بخش اعظم این مین‌ها را خنثی ساختند و پس از پایان جنگ نیز کویت با تخصیص ۷۵۰ میلیون دلار مبادرت به پاکسازی میادین مین نمود.

در میان کشورهای جهان، چین، فدراسیون روسیه و روسیه سفید بیش از دیگران دارای ذخایر مین‌های ضدنفر هستند. چین براساس آمارهای غیررسمی ۱۱۰ میلیون مین دارد، فدراسیون روسیه در حدود ۷۰ میلیون مین و روسیه سفید هم چندین میلیون مین دارد. پیش از این، ایالات متحده آمریکا ۱۱,۳ میلیون مین داشت اما نیروهای آمریکایی طی اقدامی یکجانبه، همه مین‌های خود را نابود ساختند.

براساس آخرین آمارها، قاره آفریقا بیش از سایر قاره‌های جهان از مسئله مین‌های ضدنفر متضرر شده است، اما منطقه خاورمیانه به دلیل وجود سه کشور از چهار کشور متضرر اصلی جهان یعنی مصر

(با ۲۲,۷ میلیون مین) ایران (با ۱۶ میلیون مین) و عراق (با ۱۰ میلیون مین) در سرزمین‌هایشان بیش از هر منطقه دیگر در جهان از مسئله مین‌های ضدنفر آسیب پذیر شده‌اند.

در جهان عرب به جز مصر و عراق کشورهای یمن، سودان، لبنان، سوریه و اردن نیز به دلیل جنگ‌های داخلی و یا منازعه و نبرد با اسرائیل، از مسئله مین‌های ضدنفر در رنج می‌باشند. در قاره آفریقا نیز آنگولا بیش از دیگر کشورهای آفریقایی (به جز مصر) در معرض خطرات استفاده از مین می‌باشد. البته کشورهای مثل اریتره، موزامبیک، اتیوپی، سیرالئون و بروندي نیز با این مسئله مواجهند. جنگ‌های داخلی در افغانستان و کامبوج و جنگ عراق و ایران نیز باعث شده است تا این چهار کشور آسیایی بیش از دیگر کشورهای قاره آسیا با این مورد مواجه باشند.

در قاره اروپا تنها کشورهای کرواسی و بوسنی و هرزگوین به دلیل جنگ‌هایی که در یوگسلاوی پیشین صورت گرفت، مشکل مین‌های ضدنفر دارند. در بوسنی چیزی حدود ۶۰۰ هزار تا یک میلیون مین وجود

دارد. در کرواسی نیز براساس آمارهای دقیق حدود ۴۰۰ هزار مین وجود دارد. البته تفاوت مشکل مین ها در اروپا نسبت به سایر قاره های جهان این است که در این قاره، محل استقرار مین ها مشخص می باشد و این مناطق به وسیله حصار و یا سیمهای خاردار مشخص شده اند، در حالی که در سایر قاره ها بخش عمده ترین از مین ها به صورت نامنظم و تصادفی کاشته شده اند و هیچ نقشه ای در رابطه با نحوه استقرار مین ها مشخص نیست. به همین سبب در بسیاری از کشورهای آفریقایی کودکان و زنان بسیاری به دلیل عبور از روی مین با نقص عضو و مشکلات روانی، مالی و معنوی مواجه شده اند و این یکی از عمده ترین مشکلات باقی ماندن مین های ضد نفر در زیر خاک پس از پایان جنگ و نبرد می باشد و دولتها باید هزینه های فراوانی جهت پاکسازی میادین مین متحمل شوند.

نیروهای نظامی در طول جنگ به پاکسازی میادین مین مبادرت می ورزند، اما این پاکسازی بیشتر با هدف اجرای تاکتیکهای نظامی می باشد و بدین خاطر

هرگز یک میدان مین به طور کامل پاکسازی نمی شود و لذا دولتها باید پس از پایان جنگ عملیات پاکسازی را اجرا کنند. معمولاً سه روش زیر جهت پاکسازی میادین مین مورد استفاده قرار می گیرند:

۱. پاکسازی دستی (Manual Clearance)؛ از این شیوه بیش از دیگر شیوه ها استفاده می شود، اما مشکل اساسی این شیوه کندی آن می باشد.

۲. استفاده از سگهای آموزش یافته (Dogs Mine Detection)؛ سگها برای کشف مین بسیار قابل اتکاء می باشند و از سرعت عمل بالایی برخوردارند، اما مشکل این است که سازمانهای زیادی برای آموزش مین یابی به سگها وجود ندارند، ضمن این که هر سگ برای مین یابی نیاز به حداقل ۱۸ ماه آموزش دارد.

۳. پاکسازی مکانیکی (Mechanical Clearance)؛ در این روش از وسایل نقلیه سنگی و زره پوش استفاده می شود که با عبور از یک منطقه توان از بین بردن چندین مین را دارند، اما استفاده از این نوع ابزارهای سنگین برای دولتهای کوچک و به لحاظ مالی ضعیف بسیار گران است،

ضمن این که ضرورتاً پاکسازی مکانیکی منجر به از بین رفتن همه مین های یک میدان نمی شود.

بخش دوم کتاب به مواضع سازمانهای بین المللی و کشورهای جهان و خاورمیانه در قبال مین های ضدنفر پرداخته است. توجه به مسئله پاکسازی میادین مین در سطح جهان از دهه هفتاد قرن بیستم میلادی مورد اهتمام بیشتری قرار گرفت و سازمان ملل متحد و صلیب سرخ جهانی در این راه کوششهای بسیاری به عمل آوردند، ولی می توان مهمترین و مؤثرترین اقدام در این زمینه را معاهده اوتاوا دانست که در سال ۱۹۹۶ در کشور کانادا تصویب شد و بیش از ۱۵۰ کشور جهان تاکنون این معاهده را که هرگونه استفاده از مین های ضدنفر را ممنوع کرده است، امضاء نموده اند. در دسامبر ۱۹۹۷، بار دیگر کنفرانسی در اوتاوا تشکیل شد و طی یک معاهده تکمیلی که ضمیمه معاهده پیشین گردید، هرگونه استفاده، تولید، حمل و نقل و انبار کردن مین های ضدنفر ممنوع اعلام شد.

پیرو این معاهده، دبیر کل

سازمان ملل متحد، یک مجموعه ویژه مبارزه با مین تحت عنوان سرویس عملیات مین سازمان ملل (UNMAS) به منظور فعالیت نمودن نقش سازمان ملل در جهت حل مسئله مین های ضدنفر تشکیل داد. این مجموعه توانست عملیات پاکسازی مین های ضدنفر و ضدتانک را در موزامبیک با موفقیت تمام به پایان رساند و در کشورهای دیگری نظیر رواندا، افغانستان، کامبوج و آنگولا نیز اقدامات مهمی در این زمینه به عمل آورد. ولی به دلیل کمبود منابع مالی در سازمان ملل متحد و عدم جذب کمکهای مالی جهت ادامه کار، فعالیتهای این مجموعه در سطح مطلوبی نمی باشد. گرچه گفته شده که پاکسازی کلیه میادین مین در جهان به بیش از چند میلیارد دلار نیازمند است، کل مبالغ جمع آوری شده توسط سازمان ملل متحد در حدود ۶۰ میلیون دلار بوده است.

البته در کنار سرویس عملیات مین سازمان ملل (UNMAS)، سازمان صلیب سرخ جهانی و مرکز بین المللی مین زدایی ژنو (Geneva International Centre for Humanitarian Demining) نیز

در این زمینه فعالیت می کنند، اما پاکسازی کامل میادین مین در جهان به همکاری بیشتری نیاز دارد و در این میان کشورهای بزرگ تولیدکننده این سلاح نقش ویژه ای برعهده دارند. به عنوان مثال بیل کلینتون رئیس جمهوری سابق آمریکا در سال ۱۹۹۴ اولین رئیس جمهوری جهان بود که خواستار پاکسازی کامل میادین مین ضد نفر و عدم استفاده از این نوع سلاح شد. اما فشار ارتش آمریکا بر دولت این کشور و رایه گزارشهایی مبنی بر اینکه عدم استفاده از مین از سوی ارتش آمریکا تلفات جانی را در میان سربازان این کشور در میدانهای جنگ تا ۳۵ درصد بالا خواهد برد، باعث شد تا نه تنها دولت آمریکا حمایتی از منع استفاده از مین به عمل نیاورد، بلکه حتی از امضا معاهده اوتاوا نیز سرباز زد و در همین راستا بیل کلینتون در سپتامبر ۱۹۹۷ اعلام کرد که آمریکا به معاهده اوتاوا نخواهد پیوست ولی تا سال ۲۰۰۳ استفاده از انواع مین های ضدنفر را متوقف خواهد ساخت.

روسیه نیز در زمره بزرگترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان مین های

زمینی می باشد که معاهده اوتاوا را امضا نکرده است. می توان مهمترین علل عدم امضاء این معاهده را این چنین برشمرد:

۱. سازمان نظامی روسیه مین های ضدنفر و ضدتانک را جزء مهمترین سلاحهای جنگی خود می داند و تا قبل از پیدا کردن جایگزینی مناسب، از این سلاح دست برنخواهد داشت.

۲. سیاست روسیه مبنی بر این است که به صورت تدریجی استفاده از مین منع گردد؛ نه این که این اقدام به صورت یکباره همچون معاهده اوتاوا به اجرا گذاشته شود؛

۳. روسیه تمایل دارد که از طریق کنفرانسهای خلع سلاح سازمان ملل در زمینه منع استفاده از مین های ضدنفر توافقاتی به عمل آید، نه این که در خارج از سازمان ملل مثل معاهده اوتاوا چنین تصمیماتی گرفته شود؛

۴. با توجه به این که معاهده اوتاوا مقرر کرده است که کشورهای عضو طی مدت زمان ۴ سال کلیه ذخایر خود را از بین ببرند، دولت روسیه که بزرگترین

تولیدکننده مین می باشد توان مالی و بودجه لازم برای این کار را ندارد.

یکی دیگر از کشورهای بزرگی که به معاهده اوتاوا نپیوسته دولت چین است. دولت این کشور رسماً اعلام کرده است که ابعاد انسانی و اجتماعی این نوع از سلاحها را درک می کند ولی به دلیل مرزهای طولانی این کشور و به خاطر حفظ آنها هیچ گزینه ای بهتر از استفاده از مین های ضد تانک و ضد نفر ندارد و در حال حاضر نمی تواند از این گونه مین ها استفاده نکند. در مقابل، کشورهای دیگری نظیر

کانادا، فرانسه، آلمان، انگلستان و بلژیک گامهای بلندی جهت ممانعت از استفاده از مین های ضد نفر برداشته اند. کانادا اولین کشوری بود که یک بودجه ویژه جهت کمک به دیگر کشورها برای پاکسازی میادین مین اختصاص داد. ارتش فرانسه نیز دیگر از این مین ها تولید و استفاده نخواهد کرد. پس از نخست وزیری تونی بلر دولت انگلستان نیز اعلام کرد که ضمن عدم تولید مین های ضد نفر، ارتش هم تا سال ۲۰۰۵ هرگونه استفاده عملیاتی از این سلاح را متوقف خواهد ساخت.

علیرغم این که منطقه خاورمیانه یکی از بزرگترین مناطق متضرر از مین های ضد نفر است، اما بسیاری از کشورهای منطقه معاهده اوتاوا را امضاء نکرده اند. به اعتقاد نویسندگان دلایل کشورهای خاورمیانه و دیدگاه های این کشورها جهت نپیوستن به معاهده اوتاوا به سه بخش تقسیم می شود. گروهی از دولتها، مثل کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به دلیل این که نه تولیدکننده مین می باشند و نه در سرزمین هایشان میادین مین وجود دارد، نسبت به امضاء معاهده اوتاوا بی توجهی نشان می دهند. گروهی دیگر از کشورها مثل مصر و لیبی که در سرزمین هایشان میادین وسیع مین وجود دارد درصددند تا با عدم امضاء این معاهده، جامعه بین المللی را مجبور کنند تا به آنها کمکهای مالی لازم را برای پاکسازی این میدانها اعطاء نماید. سومین گروه از کشورهای خاورمیانه، عمدتاً به خاطر این که استفاده از مین جزء تاکتیکهای نظامیشان می باشد حاضر به امضاء معاهده اوتاوا نیستند. کشورهای عراق، اسرائیل، سوریه و ایران در این گروه جای دارند (ص ۲۰۳).

لازم به ذکر است که نویسنده کتاب مواضع ایران را در حدود اطلاعات خویش به خوبی تشریح می‌کند و می‌نویسد: «... ایران تنها کشور خاورمیانه بود که در کنفرانس اوتاوا در سال ۱۹۹۶ با یک هیأت کامل مشارکت کرد، در حالی که کشورهای مصر، اسرائیل و مغرب تنها ناظرانی را به این کنفرانس فرستادند.» (ص ۲۰۶)

«... گرچه ایران معاهده اوتاوا را امضاء نکرده است، از منع استفاده از مین‌های ضدنفر حمایت می‌کند... و معتقد است که پاکسازی میادین مین باید با یک نظام بازرسی بین‌المللی همراه باشد که البته در شرایط فعلی چنین کاری مقدور نیست.

ایران مخصوصاً خواستار منع استفاده از مین‌هایی است که کشف نمی‌شوند و معتقد است که در آینده می‌باید که از مین‌های هوشمند استفاده شود... ایران مصرانه خواستار کمک‌های بین‌المللی برای پاکسازی مین‌های موجود در این کشور می‌باشد و معتقد است که باید به کشورهای آسیب‌دیده از این نوع مین‌های ضدنفر کمک‌های بین‌المللی وسیعی اعطاء شود و همکاری بین‌المللی

برای حل این مسئله وجود داشته باشد.» (ص ۲۱۲)

مؤلف کتاب در نتیجه‌گیری خود نسبت به موضع ایران، دو عامل اصلی را مانع از پیوستن ایران به معاهده اوتاوا معرفی می‌کند. اولین عامل با مسایل امنیتی ایران مرتبط است. «ایران به مین‌های ضدنفر برای حمایت از مرزهای طولانی خود با عراق، افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی احتیاج دارد. ضمن این که هنوز تهدیدهایی میان ایران و برخی از این کشورها وجود دارد.» (ص ۲۱۲)

عامل دوم صادرات این نوع سلاح است. «ایران یکی از کشورهای اصلی صادرکننده مین در جهان می‌باشد. ولی طی مدت اخیر دیپلمات‌های ایرانی بارها اعلام کرده‌اند که ایران به طور یکجانبه هرگونه صادرات مین‌های ضدنفر را متوقف کرده است. اما گزارش‌های جداگانه‌ای وجود دارد که احتمال می‌دهد هنوز هم ایران به صورت محدودی مبادرت به صادرات مین می‌کند. جنبش طالبان ایران را متهم به اعطاء مین‌های ضدنفر و سلاح‌های دیگر به

گروه‌های مخالف افغانی کرده است، همچنین در منطقه مرزی سودان و اوگاندا مین‌های ایرانی جدیدی کشف شده که نیروهای نظامی سودان از آنها جهت مقابله با شورشیان و دولتهای حامی آنها استفاده می‌کرده‌اند.» (ص ۲۱۳)

نویسنده در بخش سوم، فقط مشکل مین‌های زمینی را در مصر مورد بررسی قرار می‌دهد، ولی در ارتباط با تاریخچه بروز این مسئله در مصر می‌نویسد: «... اصولاً مشکل مین‌های زمینی در مصر به دلیل جنگ جهانی دوم که مصر در آن هیچ نقشی نداشت ایجاد شده است نیروهای متفقیین و متحدین میلیونها مین در صحرای غربی برای جلوگیری از نفوذ طرف مقابل کاشتند.» (ص ۲۲۳)

به دنبال حمله وسیع نیروهای متفقیین به نیروهای آلمانی و ایتالیایی در مرز لیبی و مصر که از ۲۳ اکتبر ۱۹۴۲ آغاز شد و در ۴ نوامبر ۱۹۴۲ پایان یافت، فیلد مارشال رومل، فرمانده نامدار آلمانی برای نظم بخشیدن به عقب نشینی نیروهایش و وارد آمدن حداقل تلفات و همچنین جهت جلوگیری از تعقیب نیروهای انگلیسی و

وارد آوردن حداکثر خسارت به این نیروها تاکتیک تدافعی «پارکهای شیطان» را برای نخستین بار در عملیات نظامی به اجرا درآورد. براساس این تاکتیک خطی به طول هفتاد کیلومتر از ساحل شمالی مین گذاری شد. سیستم این مین گذاریها بدین ترتیب بود که در زیرزمین سه عدد مین روی هم گذاشته می‌شد به طوری که حتی اگر اولین مین خنثی و از زمین برداشته می‌شد، مین زیر آن منفجر می‌گشت و حتی اگر مین دوم هم خنثی می‌شد، مین سوم می‌شد که در زیر آن مین دوم بود، عمل کرده و منفجر می‌شد. البته در آن منطقه نیروهای ایتالیایی و انگلیسی نیز چندین هزار مین کاشته‌اند و محل دقیق استقرار آنها مشخص نیست.

پس از جنگ ۱۹۶۷، شرق مصر نیز دچار این مشکل شد. با اشغال شبه جزیره سینا توسط ارتش اسراییل، این منطقه و قسمتهایی از دریای سرخ و کانال سوئز توسط اسرایلی‌ها مین گذاری شد. گفته می‌شود که در شرق مصر حدود پنج میلیون مین در مساحتی به میزان ۲۰ هزار هکتار کاشته شده است. پس از

زراعت را دارند، به دلیل وجود میادین مین رها گشته اند.

دولت مصر از سال ۱۹۵۵ تلاشهای خود را جهت پاکسازی میادین مین در صحرای غربی این کشور آغاز کرده است، اما به دلیل ضعف تواناییهای مالی و نداشتن نقشه توزیع مین ها طی ۱۵ سال تنها ۱٫۵ میلیون مین از زیر زمین خارج شد. با آغاز جنگ ۱۹۶۷ میان مصر و اسرائیل، مسئله مین های صحرای غربی به طور کلی فراموش شد و تا سال ۱۹۷۵ که دوباره عملیات پاکسازی میادین مین در سیناء و صحرای غربی آغاز شد، هیچ گونه فعالیت قابل ذکری در این منطقه انجام نشد. مصر در دهه هشتاد میلادی از کشورهای ایتالیا، ایالات متحده آمریکا و آلمان غربی خواست برای پاکسازی میادین مین به این کشور کمک نمایند. در نتیجه از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۹ از مجموع ۳۴ میلیون مین موجود در مصر، یازده میلیون مین با هزینه های بالغ بر ۹۰ میلیون دلار خنثی گردید.

با توجه به هزینه بالای پاکسازی میدانهای مین، مصر خواستار پاکسازی این

اشغال شبه جزیره سینا نیز نیروهای اسرائیلی برای تأسیس خط دفاعی بارلو، که در جنگ ۱۹۷۳ سقوط کرد، به کاشت مین تکیه بسیاری داشتند. احتمال می رود که مجموعاً در صحرای غربی مصر ۱۷ میلیون مین و در شرق این کشور شش میلیون مین کاشته شده باشد. از لحاظ تعداد مین های موجود در یک کشور، مصر با ۲۳ میلیون مین در صدر کشورهای جهان قرار می گیرد.

دولت مصر برآورد کرده است که برای پاکسازی بخشی از میادین شناخته شده حداقل به ۲۵۰ میلیون دلار نیاز دارد. براساس آمارهای منتشر شده از سوی مرکز مدیریت مهندسان نظامی مصر، طی سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۷ مجموعاً ۸۳۰۱ نفر قربانی مین های ضد نفر شده اند که از این تعداد ۳۲۸۴ نفر نظامی و ۵۰۱۷ نفر غیرنظامی بوده اند. به لحاظ اقتصادی نیز این میادین مین تأثیرات بسیاری را برجای گذاشته اند به طوری که مناطق حاصلخیزی در علمین، استان مرسی و سیدی برانی که به دلیل نزدیکیشان به وادی نیل قابلیت کشت و

میدانها توسط کشورهای است که خود این مین ها را کاشته اند و به همین دلیل با عنوان این که این دولتها باید هزینه های خنثی سازی میدانهای مین را قبول کنند از پیوستن به معاهده اوتاوا خودداری کرده است. بنا به گفته دولت مصر، کشورهایایی که این مین ها را در سرزمین مصر کاشته اند از توان مالی مناسبی جهت پاکسازی این میدانها برخوردارند، ضمن این که ارتش این کشورها اطلاع کافی از نحوه چیده شدن این مین ها را در اختیار دارند، اما به دلیل اینکه افکار عمومی را بار دیگر علیه جنایاتی که در جنگ جهانی دوم مرتکب شده اند تحریک نکنند، حاضر به اتخاذ هیچ گونه اقدامی در این رابطه نیستند.

در حال حاضر جهت حل و فصل

مسئله پاکسازی مین ها در مصر، دو دیدگاه وجود دارد: یک دیدگاه معتقد است که با توجه به این که اسرائیل به این معاهده نپیوسته است و هنوز در سراسر خاورمیانه این بحران وجود دارد، بنابراین بهتر است که مصر با حفظ مواضع خود و نپیوستن به معاهده اوتاوا، به آلمان، ایتالیا و انگلستان

فشار وارد نماید تا به مصر کمک کنند. دیدگاه دوم بر این باور است که تا زمانی که مصر معاهده اوتاوا را امضاء نکرده، کشورهای اروپایی هیچ کمکی به مصر نخواهند کرد و مصر می تواند پس از پیوستن به این معاهده به طور جدی از این کشورها تقاضا کند که جهت پاکسازی میدانهایی که خود کاشته اند، اقدامات عملی انجام دهند.

مؤلف در پایان کتاب نتیجه گیری می کند که سرانجام کشورهای بزرگی نظیر ایالات متحده آمریکا و روسیه به معاهده اوتاوا خواهند پیوست و روزی خواهد رسید که این نوع سلاح تولید نخواهد شد. وی با عنایت به این که در حدود ۲۰ درصد از مین های جهان در مصر کاشته شده اند پیشنهاد می کند که دولت مصر ضمن تلاش برای کسب کمکها و مساعدتهای مالی و فنی از کشورهای بزرگ جهان، در داخل نیز با آموزش و ارسال گروههای خنثی ساز میدانهای مین را پاکسازی کند. وی وجود بخشی از میدانهای مین را در نزدیکی اماکن مسکونی و دشتهای پرتردد کشاورزی خطری برای مردم مصر می داند و تأثیرات

اجتماعی و اقتصادی این میدانها را در مصر، وسیع ارزیابی می کند. دیدگاههای کشورهای، کتابی ارزشمند به شمار می آید. این کتاب به لحاظ ذکر تاریخچه و شیوه های گوناگون استفاده از مین و بررسی تلاشهای بین المللی در جهت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی